

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(ترجمه)

ای ارتش‌های مسلمانان؛ مگر شما از جمله امت محمد صلی الله علیه وسلم نیستید؟!

خبر:

جنايات اشغال‌گران پس از خروج‌شان از بیمارستان/شفاخانه "الشفای" غزه برملا گردید؛ پیکرهای سوخته، سرهای بریده شده، آتش‌سوزی و ویرانی. (منبع: القدس عربی)

تبصره:

ای لشکریان مسلمانان! جنایاتی که در غزه رخ می‌دهد، نه تنها انسان‌ها؛ بلکه سنگ و چوب را به گریه واداشته؛ اما هیچ تأثیری بر دل‌های شما نگذاشته؛ مگر شما از جمله امت محمد صلی الله علیه وسلم نیستید؟!

ممکن است بسیاری از شما روزه بگیرید و شب زنده‌داری کنید؛ چرا زمانی که به تلاوت این آیت کتاب الله می‌رسید، اندکی به فکر نمی‌افتید؟! آن‌جا که می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (27) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (28) لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿﴾ [فرقان: 27-29]

ترجمه: و روزی که ستمکار (مشرك) دو دست خود را (از روی حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر همراه می‌شدم. ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم. رفیق من بعد از آن که حق از طرف الله برای من آمد، مرا گمراه ساخت و شیطان هنگام امید، انسان را رها می‌کند.

ابن کثیر در شرح کلمه "خذولا" می‌گوید: کسی را از حق روی گرداندن و او را در باطل استعمال نمودن و به باطل فراخواندن است. آیا احساس‌تان تا این حد مرده؟ غیرت، مردانگی و ضمیر شما کجاست؟! حکام‌تان را به عنوان دوست برگزیده اید و آنان شما را گمراه نموده‌اند؛ آیا این حکام در روزی که در برابر آفریدگار جهان قرار گیرید، از شما شفاعت خواهند نمود؟ از چه چیزی هراس دارید؟ مرگ؟ در حالی که الله متعال می‌فرماید:

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾ [نساء: 78]

ترجمه: هر جا باشید، مرگ شما را در می‌یابد، هر چند در برج‌های محکم باشید.

آیا این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را هرگز نشنیده اید که در آن آرزو می‌کند سه بار در راه الله کشته شود؟

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْلَا أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَطِيبُ أَنْفُسُهُمْ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِّي وَلَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُهُمْ عَلَيْهِ مَا تَخَلَّفْتُ عَنْ سَرِيَّةٍ تَغْزُو فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ» (رواه البخاري)

ترجمه: قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، اگر بیم این نمی بود که مردانی از مؤمنین نمی خواهند هرگز از من تخلف کنند (یعنی اگر من در جنگ ها شرکت کنم آنان نیز تمایل دارند با من باشند، اما به دلیل فقر نمی توانند شرکت نمایند) و من هم چیزی ندارم به آنان بدهم؛ هرگز از هیچ "سریه"یی که در راه الله به جنگ می رود، تخلف نمی نمودم. قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، دوست دارم در راه الله کشته شوم، سپس زنده شوم، باز کشته شوم، سپس زنده شوم سپس باز کشته شوم سپس زنده شوم سپس کشته شوم.

ای لشکریان مسلمانان! ما هرگز از کمک خواستن و درخواست نصرت از شما نا امید نمی شویم و پیوسته از شما خواهیم خواست برای نصرت دادن دین و امت خویش دست به کار شوید؛ زیرا شما از ماستید و ما از شما ایم. ترس را از دل های تان بیرون نموده، به الله متعال توکل نمائید و تقوای الهی را پیش گیرید. بپا خیزید و در راه الله سبحانه و تعالی به جهاد و پیکار بپردازید و به این وسیله بهشتی را از آن خود نمائید که پهنای آن آسمان ها و زمین است. از کسانی باشید که الله جل جلاله در مورد آنان فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾ [توبه: 111]

ترجمه: الله از مؤمنان، جان و مالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای تان باشد.

نویسنده: ابو عاصم الطویل

مترجم: عبدالله دانشجو